Journal of Torbat Heydariyeh University of Medical Sciences
2025, Volume 13, No. 1: 46--58.

Original article

A comparative study of schema modes in formally married individuals versus those in informal cohabitation

Mohammad Abdolfakhrabad[1], Azadeh Mahvelati[1]

1. Department of Psychology and Counseling, Imam Reza International University, Mashhad, Iran

Corresponding author: Azadeh Mahvelati, Department of Psychology and Counseling, Imam Reza International University, Mashhad, Iran. e-mail: Azadeh.mahvelati@imamreza.ac.ir

Submitted: 2 August 2024 Accepted: 26 November 2024

Keywords:

Schema modes, Dysfunctional parental modes, Child-like schema modes, Dysfunctional coping schema modes, Healthy adult schema modes, Informal cohabitation without legal marriage

Abstract

Background & Aim: Contemporary society has seen more extreme changes in the values and attitudes about marriage of young adults, accompanied by an increasing level of informal cohabitation without legal marriage. This study, therefore, aimed to compare schema modes of formally married individuals and individuals in informal cohabitation arrangements.

***Methods*:** The 2024 descriptive-analytical study consisted of 128 healthy individuals between the ages of 18 and 45 in two groups: formally married individuals and unmarried cohabiting individuals living in Mashhad. Among the samples of married couples, convenience sampling was used, and purposive sampling was used for individuals in informal cohabitation relationships. The instruments for data collection included a demographic questionnaire and the Young's Schema Mode Inventory (2014). For statistical analysis, descriptive statistics and non-parametric tests were used to assess significance at the 0.05 level in SPSS software version 25.

***Results*:** Among the respondents, 65.6% were in the formal marriage category, and 34.4% were in the informal cohabitation category. Also, participants were 82.8% female and 17.2% male. According to the analysis, the mean rank of healthy adult schema mode in formal marriage participants (median = 78) was significantly higher than in informal cohabitation participants (median = 54) ($U = 1258$, $p = 0.001$). Differences did not emerge between groups on child-like schema modes, dysfunctional coping modes, or dysfunctional parental modes ($p > 0.05$).

***Conclusion*:** Given that results, it showed more healthy adult schema modes in formally married individuals, and this may be important to psychological differences between these two groups. Therefore, we suggest that this specific schema is an area that needs to be addressed in relevant intervention strategies by relevant responsible agencies.

How to Cite this Article: Abdolfakhrabad M, Mahvelati A. A comparative study of schema modes in formally married individuals versus those in informal cohabitation. Journal of Torbat Heydariyeh University of Medical Sciences. 2025; 13(1):46-58. DOI: 10.61882/jmsthums.13.1.46

Copyright © 2025 Journal of Torbat Heydariyeh University of Medical Sciences. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cite.

مجله دانشگاه علوم پزشکی تربت‌حیدریه
دوره ۱۳. شماره ۱. بهار ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

مقایسه ذهنیت‌های طرحواره‌ای در افراد با ازدواج رسمی با افراد درگیر همباشی بدون ازدواج رسمی

محمد عبد فخر آباد[1]، آزاده محولاتی[1]

۱. گروه روانشناسی و مشاوره، دانشگاه بین‌المللی امام رضا علیه‌السلام، مشهد، ایران

تاریخ دریافت:
۱۴۰۳/۰۵/۱۲
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۰۹/۰۶

کلیدواژه‌ها:
ذهنیت‌های طرحواره‌ای والد ناکارآمد، ذهنیت‌های طرحواره‌ای کودکانه، ذهنیت‌های طرحواره‌ای مقابله‌ای ناکارآمد، ذهنیت‌های طرحواره‌ای سالم، همباشی بدون ازدواج رسمی

تمامی حقوق نشر برای دانشگاه علوم پزشکی تربت‌حیدریه محفوظ است.

چکیده

زمینه و هدف: امروزه شاهد تغییرات روزافزونی در ارزش‌ها و نگرش‌های جوانان در شرف ازدواج و ظهور بیشتر پدیده همباشی بدون ازدواج رسمی هستیم. بنابراین، هدف اصلی این پژوهش، مقایسه ذهنیت‌های طرحواره‌ای در افراد با ازدواج رسمی با افراد درگیر با همباشی بدون ازدواج رسمی می‌باشد.

روش‌ها: این مطالعه توصیفی- تحلیلی در سال ۱۴۰۳ بر روی ۱۲۸ نفر از کلیه افراد ۱۸ تا ۴۵ سال در دو گروه افراد با ازدواج رسمی و افراد درگیر همباشی بدون ازدواج رسمی در شهرستان مشهد انجام شد. روش نمونه‌گیری، به شیوه در دسترس برای زوج هایی که به صورت رسمی ازدواج کرده بودند و هدفمند برای افراد درگیر همباشی بدون ازدواج رسمی بود. ابزار گردآوری داده‌ها، شامل پرسشنامه‌های جمعیت‌شناختی و ذهنیت‌های طرحواره‌ای (یانگ، ۲۰۱۴) بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی و آزمون‌های ناپارامتریک در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۵ انجام شد.

نتایج: ۶۵/۶ درصد از شرکت‌کنندگان در گروه افراد با ازدواج رسمی و ۳۴/۴ درصد در گروه افراد درگیر همباشی بدون ازدواج رسمی بودند. همچنین، ۸۲/۸ درصد از مشارکت‌کنندگان زن و ۱۷/۲ درصد مرد بودند. در تحلیل داده‌ها، میانگین رتبه ذهنیت طرحواره‌ای بزرگسال سالم در گروه ازدواج رسمی (میانه = ۷۸) به طور معنی‌داری بیشتر از گروه همباشی بدون ازدواج رسمی (میانه = ۵۴) بود ($U = ۱۲۵۸$، $p = ۰/۰۰۱$)؛ اما در متغیرهای ذهنیت طرحواره‌ای کودکانه، مقابله‌ای ناکارآمد و والد ناکارآمد تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده نشد ($p > ۰/۰۵$).

نتیجه‌گیری: با توجه به اینکه یافته‌ها نشان می‌دهد که ذهنیت طرحواره‌ای بزرگسال سالم در افراد با ازدواج رسمی بالاتر بوده و می‌تواند نقش مهمی در تفاوت‌های روان‌شناختی میان دو گروه ایفا کند؛ پیشنهاد می‌گردد که تقویت این طرحواره در مداخلات مسئولین مورد توجه قرار گیرد.

نویسنده مسئول: آزاده محولاتی، مشهد، دانشگاه بین المللی امام رضا (ع)، گروه روانشناسی و مشاوره
آدرس پست الکترونیک: Azadeh.mahvelati@imamreza.ac.ir

مقدمه

یکی از مهمترین اتفاقات در زندگی همه افراد، خصوصاً در دوران جوانی است (۱). ازدواج تسهیل گر ارضای اغلب نیازهای افراد هم در سطح فردی و هم سطح اجتماعی است. در سطح فردی، موجب ارضای نیازهای فیزیکی، جنسی، عاطفی و اجتماعی فرد و در سطح اجتماعی، موجب ایجاد مهمترین رکن هر کشور یعنی ایجاد خانواده می گردد (۲). اگرچه، متداول ترین نوع ازدواج در اغلب کشورهای ایران و جهان در میان افراد با فرهنگ های مختلف و از هر دین و مذهبی، سبک ازدواج از نوع رسمی می باشد؛ اما در سال های اخیر شاهد رشد رو به بالای نوع دیگری از سبک ازدواج، به نام همباشی بدون ازدواج رسمی در کشورهای مختلف از جمله ایران هستیم (۳،٤). همباشی بدون ازدواج رسمی[1]، به معنی اقدام به تشکیل زندگی توسط زن و مرد است، بدون اینکه پیوند رسمی بین آنها شکل گرفته باشد؛ که در جامعه کنونی افراد بیشتر آن را با نام ازدواج سفید[2]می شناسند. ازدواج سفید، نوعی ازدواج در بین پیروان مسیح است که در آن عروس لباس سفید می پوشد و زن و مرد سعی می کنند با پوشیدن این لباس و برگزاری جشن به رابطه خویش وجهه قانونی و شرعی دهند (۵)، در حالی که در اکثر کشورها و مذاهب مختلف، این نوع ازدواج، به هیچ وجه قانونی قلمداد نمی گردد (۳). حتی، در فرهنگ لغت آکسفورد نیز، برای تعریف این سبک از زندگی مشترک بین زن و مرد، به جای به کار بردن کلمه ازدواج سفید از واژه همباشی بدون ازدواج رسمی استفاده شده است. به عبارتی، حتی در فرهنگ غرب هم این رابطه را تحت عنوان ازدواج به رسمیت نمی شناسند. همباشی بدون ازدواج رسمی بر خلاف سبک ازدواج رسمی، عاملی برای ارضای نیازهای جنسی و عاطفی است، اما در آن تعهدی نسبت به طرف مقابل وجود ندارد (٦). طبیعتاً این امر، موجب بروز مشکلات در سطح بین فردی، فردی و حتی در سطح اجتماعی می گردد، و حتی تشکیل خانواده، ایجاد عشق و صمیمیت واقعی را بین زن و مرد به تعویق می اندازد. اگرچه ازدواج یک امر خصوصی است که توسط افراد صورت می گیرد و دیگران در آن دخالتی ندارد، اما شناخت افکار و نگرش های افراد، پیرامون ازدواج و تحلیل و بررسی آنها از اهمیت بالایی برخوردار است (۵،۳). بررسی پیشینه نظری و پژوهشی نشان می دهد، مسائل شناختی از مهمترین عوامل تاثیرگذار بر انتخاب سبک ازدواج هستند. حالات یا ذهنیت های طرحواره ای[3] می‌توانند از مهمترین مسائل شناختی این حوزه باشد (۷). ذهنیت های طرحواره ای را همچون باورهای بنیادین تعریف می کنند که تشکیل دهنده‌ی دیدگاه فرد در مورد خود و جهان اطراف است. طرحواره ها، قدیمی ترین مولفه های شناختی محسوب می شوند و حتی گاهی اوقات پیش از آن که کودک زبان بیاموزد، این طرحواره ها در ناخودآگاه او شکل می گیرد. این طرحواره ها در طول زمان به حرکت خود ادامه می دهند و خود را به تجارب بعدی در زندگی فرد تحمیل می کنند. ذهنیت های طرحواره ای می توانند مثبت یا منفی، سازگار یا ناسازگار باشند و بر انتخاب های افراد تاثیر بگذارند (۸،۷).

ذهنیت های طرحواره ای به چهار دسته اصلی تقسیم می شوند: ذهنیت های طرحواره ای کودکانه (کودک آسیب پذیر، کودک خشمگین، کودک تکانشگر و کودک عصبانی)، ذهنیت های طرحواره ای مقابله ای ناکارآمد (مطیع و تسلیم شده، محافظ بی تفاوت، جبران کننده افراطی و زورگوی تهاجمی)، ذهنیت های طرحواره ای والد ناکارآمد (والد تنبیه گر و والد پر توقع) و ذهنیت های طرحواره ای سالم (کودک شاد و بزرگسال سالم). هر کدام از ذهنیت ها (به جز ذهنیت های بزرگسال سالم و ذهنیت کودک شاد)، سبک های مقابله ای خاصی دارند (۹). ذهنیت طرحواره ای کودکانه، ذهنیت بسیار ذاتی و همگانی است و دارای این قابلیت است که در تمام کودکان با نیرویی بالقوه و قوی برای نشان دادن این ذهنیت ها متولد می شوند و گستردگی هیجانی ذاتی را به نمایش می گذارند (۱۰). ذهنیت های مقابله ای ناکارآمد، تقریبا مطابق با سبک های مقابله ای

[1] Cohabitation without formal/legal marriage
[2] White marriage
[3] Schema modes

تسلیم، اجتناب و جبران افراطی است. انواع سبک های مقابلـه ای ناسازگار نشان دهنده تلاش کودک برای کنار آمدن با نیاز های هیجانی برآورده نشده در محیط های آسیب زا مـی باشـد. ایـن سبک های مقابله ای به نوعی در دوران انطباقی فعال هستند، اما ناسازگاری ها اکثرا در دوران بزرگسالی اتفاق می افتد (۱۱،۱۰). ذهنیت والد ناکارآمد به عنـوان نمـادی اصـلی در والـدین درون سازی شده است. زمانی که ذهنیت های والد ناکارآمد در کودک فعال می شود احساس، رفتار و افکارشان نیز مانند والدین شان می شود به طوری که فرد در نقش والدین خود فـرو مـی رود و همان طوری که والدین شان سـال هـا قبـل بـا آنهـا رفتـار مـی کردند، با دیگران رفتار می کنند (۱۳،۱۲). در مقابل، ذهنیت هـای طرحـواره ای سـالم در تضـاد بـا ذهنیـت هـای طرحـواره ای ناکارآمد قرار می‌گیرند. در این نوع ذهنیت‌ها، نیاز فرد بـه طـور کامـل ارضـا و پاسـخ داده شـده و فـرد بـه صـورت منطقـی از احساسات خود آگاه است (۱٤). با توجه به آنچه کـه گفتـه شـد، ذهنیت های طرحواره ای از عوامل شناختی مهمی هسـتند کـه از کودکی در افراد شکل می گیرد و در ادامه زندگی در بر دیـدگاه افراد نسبت به خـود، جهـان اطـراف و دیگـران اثـر مـی گذارنـد (۱۵،۱٤)، در نتیجه می توانند در انتخاب سبک ازدواج نیـز مـوثر باشند.

کرمی (۱۰) پژوهشی با هدف مقایسه ذهنیت هـای طرحـواره ای و تمایز یافتگی در جوانان راغب و غیر راغـب بـه ازدواج انجـام داد. نتایج نشان داد بین همه مولفه های ذهنیـت هـای طرحـواره ای جوانان و مولفه هـای تمـایز یـافتگی، مولفـه واکـنش پـذیری عاطفی و آمیختگی با دیگران در جوانان راغب به ازدواج و غیـر راغب به ازدواج تفاوت معنی داری وجود دارد. همچنین، رسولی (٤) پژوهشی با هدف بررسی نگـرش جوانـان دربـاره همباشـی (ازدواج سفید) انجام داد. در پایـان بـه ایـن نتیجـه رسـیدند کـه براساس نظر مصـاحبه شـوندگان بـه سـه تیـپ از افـرادی کـه همباشی بدون ازدواج رسمی کرده اند، عبارتند از: تیـپ اول بـه دلیل شرایط اقتصـادی (فقـر، سرپرسـت خـانوار بـودن، حـرف مردم، گرایش جنسی، نداشتن سـرمایه) همباشـی بـدون ازدواج رسمی را انتخاب کرده اند، تیپ دوم به دلیل شرایط اجتمـاعی و فرهنگی (سن ازدواج بالا، اعتیاد پدر، ترس از حرف مـردم، عـدم حمایت خانواده) و تیپ سوم به دلیل شرایط روانـی (خیانـت بـه یکدیگر، عدم تعهد در زندگی، اختلالات روحی و روانی، اختلالات جنسی، مشکلات خـانوادگی) همباشـی بـدون ازدواج رسـمی را انتخاب کرده اند. Zhang (۱٦) با هدف بررسی رابطه مثبت میان تجربه ازدواج سفید و طلاق پس از ازدواج در میـان افـرادی کـه در سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۹٤ ازدواج کرده انـد، بـود و بـه ایـن نتیجـه رسید که رابطه مثبت بین این متغیر ها در گذر زمان از بین مـی رود، به طوری که رابطه معناداری بـین تجربـه ازدواج سـفید و نرخ طلاق بین افرادی که در سـال ۱۹۹۵ تـا ۲۰۱۰ ازدواج کـرده اند، بوجود نیامده است. همچنین در پژوهشی با هدف یافتن یـک ارتباط تجربی بین افزایش قابل توجه اسـتفاده از قـرارداد هـای مدت معین ازدواج همچون همباشی بدون ازدواج رسمی و خطا های شناختی در اسپانیا و تاخیر مشاهده شده در سن ازدواج و فرزندآوری است (۱۷). آن ها معتقدنـد سـن ازدواج در اروپـای غربی و کشور های مدیترانه ای مانند اسپانیا و ایتالیا بـالا رفتـه است و به عواملی مانند تغییرات شـرایط زنـدگی، ناتمـام مانـدن تحصیلات، تولد فرزندان، خطا هـای شـناختی و ... مربـوط مـی شود و همگی موجب تمایل به کاهش فرزندآوری می شود و در نتیجه باعث بـه تعویـق انـداختن ازدواج و تشـکیل خـانواده مـی شود. Keulen-de Vos و همکـاران (۱۸) تفـاوت ذهنیـت هـای طرحواره ای در افراد مبتلا به اختلال شخصیت با افراد عادی را گزارش دادند. با توجه به آنچه کـه گفتـه شـد، از طرفـی دردهـه های اخیر، یک پدیده اجتماعی تحت عنوان همباشی بدون ازدواج رسمی در تمام جوامع جهان و حتی کشور ایران افـزایش یافتـه است؛ که می تواند به کانون گرم خانواده و حتـی سـلامت روان خود افراد آسیب های بسیار جدی وارد کند (۱۹)، بـه عـلاوه بـا توجه به اثبات اثر مهم حوزه مسائل شـناختی بـر انتخـاب هـای افراد و سبک ازدواج در زندگی افراد و اثر آن بر کیفیـت زنـدگی فرد و جامعه و کمبود پژوهش ها در ایـن زمینـه، باعـث شـد در این پژوهش به دنبال مقایسه ذهنیت های طرحواره ای کودکانـه؛

ذهنیت های طرحواره ای مقابله ای ناکارآمد، ذهنیت های طرحواره ای والد ناکارآمد و ذهنیت های طرحواره ای بزرگسال سالم در بین افراد متاهل با ازدواج رسمی و افراد مجرد درگیر با همباشی بدون ازدواج رسمی باشیم.

روش‌ها

روش پژوهش حاضر توصیفی و پیمایشی نظر سنجی از نوع استنباطی علی- مقایسه ای (Causal-Comparative Research Method) می باشد که به مقایسه انواع ذهنیت های طرحواره ای شامل ذهنیت های طرحواره ای کودکانه؛ ذهنیت طرحواره ای مقابله ای ناکارآمد، ذهنیت طرحواره ای والد ناکارآمد و ذهنیت طرحواره ای سالم در افراد متاهل با ازدواج رسمی و در افراد مجرد درگیر با همباشی بدون ازدواج رسمی در شهرستان مشهد پرداخته شده است. برای تعیین حجم نمونه، با درنظر گرفتن مطالعات پیشین (۱۰،٤) و استفاده از نرم افزار G*Powerو در نظر گرفتن خطا نوع اول یا سطح معناداری ۰/۰۵، توان آماری ۰/۸ و اندازه اثر(متوسط) یعنی ۰/۵ برابر ۱۲۸ نفر برآورد گردید. بنابراین، هدف پژوهش مقایسه ٦٤ نفر از افراد دارای ازدواج رسمی با ٦٤ نفر از افراد مجرد درگیر همباشی بدون ازدواج رسمی بود. از روش نمونه گیری داوطلبانه و در دسترس برای زوج های با ازدواج رسمی و گلوله برفی برای افراد مجرد درگیر همباشی بدون ازدواج رسمی استفاده شد. افرادی که همباشی بدون ازدواج رسمی داشتند را از طریق شبکه های مجازی (داخلی و خارجی) و از طریق پرس و جو از موسسات مختلف و به شیوه گلوله برفی از طریق مصاحبه با اولین افراد شناسایی شده، جمع آوری نمودیم و از طریق مصاحبه و توضیح اهمیت این پژوهش برای آنان جهت شرکت در این پژوهش آنان را به پاسخگویی کامل و صادقانه به سوالات ترغیب نمودیم. قابل ذکر است که به جهت همتاسازی دو گروه از نظر محدوده سنی و در نظر گرفتن دوره جوانی (به علت بیشترین احتمال ازدواج در این دوره سنی)، زنان و مردان شرکت کننده از ۱۸ تا ٤٥ سال در نظر گرفته شدند. سپس، لینک پرسشنامه ساخته شده توسط پرس لاین برای همه افرادیکه با آنان مصاحبه شده بود، ارسال می گردید، در مجموع ۱۵۲ نفر در پژوهش شرکت کرده نمودند، که با بررسی پرسشنامه ها (جهت تکمیل بودن) و بررسی محدوده سنی شرکت کنندگان حدود بیست پرسشنامه حذف گردید و در نهایت ۱۳۲ پرسشنامه که ٦٦ عدد آن مربوط به افراد با ازدواج رسمی و ٦٦ عدد آن مربوط به افراد درگیر در ازدواج سفید بود، تجزیه و تحلیل گردید. همچنین، جهت رعایت ملاحظات اخلاقی به شرکت کنندگان توضیح داده شد که نیازی به وارد کردن اطلاعات شخصی مانند ذکر نام و نام خانوادگی، شهر محل سکونت و... نیست و تنها سن، میزان تحصیلات آنها کافیست. همچنین، اهداف تحقیق و مزایای اجرای آن نیز برای شرکت کنندگان توضیح داده شد. به شرکت کنندگان گفته شد که هر زمان که بخواهند امکان انصراف از پژوهش برای آنان امکان پذیر است. پیش از انجام پژوهش، به جهت کار با شرکت کنندگان انسانی، کد اخلاق از دانشگاه بین المللی امام رضا با شماره IR.IMAMREZA.REC.1403.014 اخذ گردید.

در این پژوهش برای جمع آوری داده ها، از پرسشنامه های جمعیت شناختی برای سنجش طرحواره‌های ناسازگار اولیه، از پرسشنامه طرحواره یانگ نسخه کوتاه فرم سوم بازنگری‌شده (Young Schema Questionnaire – Short Form, Third Edition Revised) استفاده شد که به‌اختصار YSQ-S3R نامیده می‌شود. این پرسشنامه توسط یانگ و همکاران (۲۰۱٤) تهیه شده و شامل ۹۰ گویه در ۱٤ مقیاس است (۱٤). این مقیاس، ۱۸ طرحواره ناسازگار اولیه را می سنجد که از ترکیب آنها چهار ذهنیت طرحواره ای کلی حاصل می گردد. چهار دسته کلی شامل:۱- ذهنیت های طرحواره ای کودکانه (کودک آسیب پذیر، کودک خشمگین، کودک تکانشگر و کودک عصبانی)؛ ۲- ذهنیت طرحواره ای مقابله ای ناکارآمد (ذهنیت های مطیع و تسلیم شده، محافظ بی تفاوت، جبران کننده افراطی و زورگو و تهاجمی)، ۳- ذهنیت طرحواره ای والد ناکارآمد (والد تنبیه گر و والد پرتوقع) و ٤-ذهنیت طرحواره ای سالم (کودک شاد و بزرگسال سالم) می باشد (۲۱). این ابزار، با مقیاس لیکرت

شش‌درجه‌ای (۱ تا ٦) کار می‌کند. نمرات بالاتر نشانگر حاکمیت آن ذهنیت بر سیستم پردازش اطلاعات فرد است. مطالعات داخلی و خارجی نشان داده‌اند که این پرسشنامه از نظر روان‌سنجی قوی و قابل اعتماد است. در سطح بین‌المللی، Sfeir و همکاران (۲۲) در مطالعه ای نشان داده‌اند آلفای کرونباخ و مک‌دونالد اُمگا برای زیرمقیاس‌های این پرسشنامه بین ۰/۹۱ تا ۰/۹۷ می باشد و ساختار چند بعدی ابزار در تحلیل CFA را تایید نمودند. همچنین، González-Cifuentes و همکاران (۲۳) آلفای کرونباخ این پرسشنامه را برای کل مقیاس۰/۹۷ و زیرمقیاس‌ها را بین ۰/٦۷ تا ۰/۸۹ گزارش و ساختار ۱۸ عاملی و سلسله‌مراتبی آن را با CFA تأیید نمودند. در ایران، مهرطلب، داودی و تقوایی (۲٤) نتایج روایی واگرا این پرسشنامه با استفاده از ضریب همبستگی با فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار را ۰/٦٤ گزارش دادند. همچنین، پایایی این پرسشنامه نیز با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۱ و ضریب بازآزمایی ۰/۷۲ در فاصله زمانی یک ماه، مناسب ارزیابی شد. در پژوهش حاضر نیز روایی و پایایی پرسشنامه «طرحواره‌های ناسازگار اولیه یانگ» مورد بررسی قرار گرفت. ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۹ و برای زیرمقیاس‌ها بین ۰/۷۱ تا ۰/۸۸ به‌دست آمد که نشان دهنده پایایی قابل قبول آن است. همچنین، نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که ساختار چندبعدی ابزار از برازش مناسبی برخوردار است (CFI=۰/۹۲، TLI= ۰/۹، RMSEA=۰/۰٦) که بیانگر تأیید روایی سازه پرسشنامه در نمونه مورد بررسی است.

نتایج

در این بخش ابتدا تجزیه و تحلیل داده ها در سطح توصیفی ارائه می گردد. در این مطالعه، مجموعاً ۱۲۸ نفر شرکت کردند که به‌طور مساوی در دو گروه ٦٤ نفر در گروه افراد دارای ازدواج رسمی (۵۰٪) و ٦٤ نفر در گروه درگیر همباشی بدون ازدواج رسمی (۵۰٪) قرار گرفتند. دامنه سنی شرکت‌کنندگان بین ۱۸ تا بیش از ٤۲ سال متغیر بود. از نظر جنسیت، در کل نمونه، ۱۰٦ نفر زن (۸۲٫۸٪) و ۲۲ نفر مرد (۱۷٫۲٪) بودند. در گروه افراد دارای ازدواج رسمی، ۵۲ نفر زن (۸۱٫۲٪) و ۱۲ نفر مرد (۱۸٫۸٪) و در گروه افراد درگیر همباشی بدون ازدواج رسمی، ٥٤ نفر زن (۸٤٫٤٪) و ۱۰ نفر مرد (۱۵٫٦٪) مشارکت داشتند. از نظر سطح تحصیلات، شرکت‌کنندگان از سطوح مختلف تحصیلی از زیر دیپلم تا دکتری حضور داشتند. در گروه ازدواج رسمی، ۸ نفر (۱۲٫۵٪) زیر دیپلم، ۲۰ نفر (۳۱٫۲٪) دیپلم، ۲۵ نفر (۳۹٫۱٪) کارشناسی، و ۱۱ نفر (۱۷٫۲٪) دارای تحصیلات کارشناسی ارشد یا بالاتر بودند. در گروه افراد درگیر همباشی بدون ازدواج رسمی، ۵ نفر (۷٫۸٪) زیر دیپلم، ۲۲ نفر (۳٤٫٤٪) دیپلم، ۲٦ نفر (٤۰٫٦٪) کارشناسی، و ۱۱ نفر (۱۷٫۲٪) دارای تحصیلات کارشناسی ارشد یا بالاتر بودند. برای بررسی همگنی دو گروه از نظر متغیرهای جمعیت‌شناختی (سن، جنس، و تحصیلات)، از آزمون خی‌دو استفاده شد. نتایج نشان داد که بین دو گروه از نظر جنسیت (χ^2=۰/٤۸ p =۰/٤۸)، سطح تحصیلات (p =۰/۷۲, χ^2 = ۱/۳۲) و توزیع سنی (χ^2 ۱/۸۹ , p =۰/۵۹) تفاوت معناداری وجود نداشت؛ بنابراین، دو گروه از نظر این متغیرها همگن بودند.

در ادامه، جهت بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها از آزمون کولموگروف–اسمیرنوف استفاده شد. نتایج این آزمون نشان داد که توزیع نمرات متغیرهای پژوهش از نرمال بودن تبعیت نمی‌کند (p <۰/۰۵). بنابراین، برای مقایسه متغیرها بین دو گروه (افراد با ازدواج رسمی و افراد درگیر همباشی بدون ازدواج رسمی)، از آزمون ناپارامتری من–ویتنی (Mann–Whitney U test) استفاده شد. در جدول ۱ نتایج این آزمون برای هر متغیر و به تفکیک در هر گروه گزارش شده است. نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که میانگین رتبه ذهنیت طرحواره‌ای بزرگسال سالم در گروه افراد با ازدواج رسمی (میانه = ۷۸) به طور معناداری بیشتر از گروه افراد درگیر همباشی بدون ازدواج رسمی (میانه = ٥٤) است (p =۰/۰۰۱، U =۱۲۵۸) که بیانگر تفاوت قابل توجهی بین این دو گروه در این متغیر می‌باشد. اما برای سایر ذهنیت‌های طرحواره‌ای شامل کودکانه، مقابله‌ای ناکارآمد و والد

ناکارآمد، تفاوت معناداری بین گروه‌ها مشاهده نشد (p >۰/۰۵) که نشان می‌دهد این ذهنیت‌ها در دو گروه ازدواج رسمی و همباشی بدون ازدواج رسمی تفاوت معناداری ندارند. دامنه میان‌چارکی و چارک‌ها نیز نشان‌دهنده توزیع نسبتاً مشابه نمرات در این متغیرها بین دو گروه به جز متغیر بزرگسال سالم است. به طور کلی، یافته‌ها نشان می‌دهد که تنها ذهنیت طرحواره‌ای بزرگسال سالم در افراد با ازدواج رسمی نسبت به افراد درگیر همباشی بدون ازدواج رسمی وضعیت بهتری دارد.

جدول ۱. نتایج آزمون من‌ویتنی برای مقایسه ذهنیت‌های طرحواره‌ای بین دو گروه

متغیر	گروه	Q1	میانه	Q3	IQR	آماره U	مقدار P
ذهنیت طرحواره‌ای کودکانه	ازدواج رسمی	۵۵	٦٣	٧٠	١٥	٢٠٠٦/٠٠	۰/۸۷۵
	همباشی بدون ازدواج	٥٤	٦٣	٦٨	١٤		
ذهنیت طرحواره‌ای مقابله‌ای ناکارآمد	ازدواج رسمی	٥٦	٦٤	٧٢	١٦	٢٠٢٥/٥٠	۰/۹۱۸
	همباشی بدون ازدواج	٥٥	٦٣	٧٠	١٥		
ذهنیت طرحواره‌ای والد ناکارآمد	ازدواج رسمی	٥٧	٦٥	٧٤	١٧	٢٠٣٧/٠٠	۰/۹۳۴
	همباشی بدون ازدواج	٥٨	٦٤	٧٤	١٦		
ذهنیت طرحواره‌ای بزرگسال سالم	ازدواج رسمی	٦٨	٧٨	٨٨	٢٠	١٢٥٨/٠٠	۰/۰۰۱
	همباشی بدون ازدواج	٤٥	٥٤	٦٣	١٨		

بحث

همان طور که گفته شد، ازدواج از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است، ولی در سال های گذشته، یکی از بزرگ ترین معضلات مطرح شده در جامعه کنونی، عدم تمایل جوانان به ازدواج رسمی می باشد؛ اما به دلیل نیازطبیعی بنانهاده شده به زندگی به صورت یک زوج، افراد مجرد به بودن با جنس مخالف در قالب های نامتعارف مانند همباشی بدون ازدواج رسمی گرایش پیدا کرده اند که به نوبه خود خطرات بسیاری را برای خود آنان (به خطر افتادن سلامت روانی) و حتی جامعه (عدم تمایل به فرزند آوری، سقط جنین، بالا رفتن سن ازدواج و ...) به همراه دارد. شناسایی عوامل موثر بر این گرایش و انتخاب این سبک از زندگی می تواند اهمیت به سزایی در حل معضلات اجتماعی و افزایش سلامت روانی افراد داشته باشد (۱۵). همانطور که گفته شد، یکی از مهمترین این حوزه ها، حوزه شناختی می باشد، در همین راستا می توان به نظریه ذهنیت های طرحواره ای یانگ اشاره نمود که می گویند، ذهنیت های کسب شده ما از دیگران باعث تاثیر برداشت های مان از آنها می باشد و می تواند بر سبک انتخاب همسر نیز موثر می باشد. بدون شک تغییر جهان بینی و نوع و شیوه ادراک افراد نسبت به نوع انتخاب همسر پس از ازدواج ممکن نیست، و یا حتی در صورت امکان، موجب از دست رفتن فرصت ها و زمان مناسب مداخله می گردد، بنابراین، شناسایی عوامل موثر بر انتخاب سبک ازدواج می تواند بر تغییر دیدگاه های نادرست قبل از ازدواج موثر باشد، به همین دلیل در این پژوهش به مقایسه ذهنیت های طرحواره ای در افراد با ازدواج رسمی و افراد درگیر در همباشی بدون ازدواج رسمی پرداخته شد.

نتایج این پژوهش نشان داد که بین ذهنیت طرحواره ای بزگسال سالم در افراد مجرد درگیر با همباشی بدون ازدواج رسمی (ازدواج سفید) و افراد با ازدواج رسمی تفاوت معناداری وجود دارد. این یافته با پژوهش های کرمی (۱۰)، رسولی (٤)، ژانگ (١٦)، کلن دوو و همکاران (۱۸) و Rica و Iza (۲۰) همسو بود. در تبین این همسویی می توان گفت ذهنیت های طرحواره ای از عوامل شناختی مهمی هستند که از کودکی در افراد شکل می گیرد و در ادامه زندگی در بر دیدگاه افراد نسبت به خود، جهان اطراف و دیگران اثر می گذارند. در ذهنیت بزرگسال سالم، نیاز

فرد به طور کامل ارضا و پاسخ داده شده و فرد به صورت منطقی از احساسات خود آگاه است. ذهنیت های طرحواره ای سالم هم به دو دسته تقسیم می‌شوند. ذهنیت طرحواره ای کودک شاد که در این ذهنیت نیازهای کودک به طور کامل پاسخ داده شده و به همین دلیل کودک احساس رضایت درونی، خوشحالی و محبت دارد. در این ذهنیت خبری از ذهنیت‌های ناسازگار اولیه نیست، چراکه نیازها درست و به موقع پاسخ داده شده‌اند و ذهنیت طرحواره ای بزرگسال که قسمتی از دوران بزرگسالی محسوب می شود و نقش عملکرد اجرایی را در مقایسه با سایر ذهنیت ها برعهده دارد (۲۱). این ذهنیت به کودک کمک می کند تا نیازهای اساسی و هیجانی اش برآورده شود. برخی از ذهنیت ها نشان دهنده عواطف و شناخت و رفتار فرد در برخی از اوقات است. بعضی از ذهنیت ها ترکیبی از طرحواره ها هستند و برخی دیگر نشان دهنده پاسخ های مقابله ای هستند. معمولا فردی که از سلامت روانی خوبی برخوردار است، ذهنیت های شفاف و آشکاری دارد اما هویت او دست نخورده و ناشناس باقی می ماند (۳،٤). ممکن است حالت خلقی یک نفر که سالم است به حالت های غمگین، عصبانی یا بی احساس تغییر کند ولی ذهنیت این افراد یا ذهنیت افرادی که خلق و خوی مرزی دارند، متفاوت است. ذهنیت سالم، کمتر از ذهنیت مرزی حالت تجزیه ای دارد. افراد سالم می توانند همزمان چندین ذهنیت را تجربه کنند، مثلا می توانند غمگین باشند و در زمانی دیگر خوشحال نیز باشند. بنابراین یک فرد سالم همزمان می توانند احساس خوشایند و نا خوشایندی را تجربه کنند.تفاوت در افراد سالم و آسیب دیده، در اثربخشی و شدت ذهنیت بزرگسال سالم است (۱۰). اگر چه همه ما یک ذهنیت بزرگسال سالم داریم، اما این ذهنیت در افرادی که از سلامت روانی برخوردار هستند، فعال تر و قوی تر است. ذهنیت بزرگسال سالم می تواند ذهنیت های ناکارآمد را تعدیل کند و بخش دیگر آنها را بهبود ببخشد. ذهنیت طرحواره ای بزرگسال سالم قسمتی از دوران بزرگسالی محسوب می شود که نقش عملکرد اجرایی را در مقایسه با سایر ذهنیت ها برعهده دارد. این ذهنیت به کودک کمک می کند تا نیازهای اساسی و هیجانی اش برآورده شود. متخصصان، باید کارگاه های آموزشی را طراحی کنند تا ذهنیت بزرگسال سالم را تقویت کنند تا دیگر ذهنیت های ناکارآمد افراد کاهش یابد، زیرا ذهنیت بزرگسال سالم، در برگیرندی وظایفی مانند به دست آوردن صحیح اطلاعات، ارزیابی مراحل، حل مسئله، انتخاب همسر، کار و فرزندپروری است (۲۱). همچنین دیگر مسئولیت هایی برای انتخاب، عمل، ایجاد و حفظ تعهد وجود دارد. در یک روشی متعادل مانند دنبال کردن فعالیت هایی از جمله، کامل کردن کار، ایجاد روابط اجتماعی و صمیمی، سرگرمی های خانوادگی، فعالیت های فرهنگی و اجتماعی مرتبط می باشد. ذهنیت بزرگسال سالم، آگاه است و می‌تواند بدون درگیر شدن با احساسات ناراحت‌کننده و دردناک، به طور آگاهانه، منطقی و واقع‌بینانه، درباره مسائل و مشکلات فکر کند (۱۲). به طور خلاصه می توان گفت، تفاوت افراد سالم با افراد آسیب‌دیده را می‌توان در شدت و اثربخشی ذهنیت بزرگسال سالم دانست. فرد در ذهنیت بزرگسال سالم می‌تواند ذهنیت‌های ناکارآمد را تعدیل کند. مثلا زمانی که عصبانی، پرخاشگر و رفتارهای غیر قابل کنترل دارد را مهار کند.

همچنین، یافته ها نشان داد که بین ذهنیت های طرحواره ای مقابله ای ناکارآمد، ذهنیت های طرحواره ای کودکانه و ذهنیت های طرحواره ای والد ناکارآمد در افراد مجرد درگیر با همباشی بدون ازدواج رسمی و افراد با ازدواج رسمی تفاوت معناداری وجود ندارد. این یافته با پژوهش های ژانگ (١٦)، کلن دوو و همکاران (۱۸) و ریکا و ایزا ناهمسو بود. در تبیین یافته های مربوط در پژوهش های ذکر شده در مورد ذهنیت های طرحواره ای مقابله ای ناکارآمد و ذهنیت های طرحواره ای کودکانه می توان گفت ذهنیت های طرحواره ای ترکیبی از ذهنیت های ناسازگار و سبک های مقابله ای ناسازگار می باشد. طبق نظر یانگ، زیر بنایی ترین سطوح شناختی، طرحواره های هیجانی ناسازگارانه است که موجب سوگیری منفی یا مثبت در تفسیر های ما از رویداد ها می شود و این سوگیری ها

در آسیب شناسی روانی میان فردی به صورت سو تفاهم ها، نگرش های تحریف شده، گمانه زنی های نادرست، هدف و چشم داشتی غیر واقع بینانه را مشخص می کند. معمولا طرحواره های ناسازگار در وجود افرادی که به سمت ازدواج های نامتعارف مانند ازدواج سفید می روند، پیدا می شود. بنابراین با کاوش های دقیق از دوران کودکی ممکن است تروما ها و ترس های دوران کودکی فرد را شناسایی و پیدا کنند. ذهنیت های طرحواره ای ناکارآمد در مقابل ذهنیت های طرحواره ای سالم قرار می‌گیرند. به اعتقاد یانگ، ریشه تحولی برخی از ذهنیت های طرحواره ای ناسازگار در تجارب ناگوار دوران کودکی و نوجوانی دارد. مثلا بیان می کند جوانانی که ذهنیت طرحواره را دارا است در دوران کودکی مورد سوء استفاده قرار گرفته و یا طرد شده است (۱۰). اما قطعا همه ذهنیت های طرحواره ای در دوران کودکی شکل نگرفته اند. ممکن است برای فردی تجربه آسیب زا در دوران کودکی شکل نگرفته باشد، ولی قطعا می توان گفت بیشتر ذهنیت های طرحواره ای از تجربه های ناگوار دوران کودکی سر چشمه می گیرد و ممکن است هسته اصلی رفتار فرد در دوران بزرگسالی باشند. معمولا زمانی که بیمار در بزرگسالی طرحواره ناسازگارش فعال می شود، بخش هایی از خاطرات هیجان انگیز از دوران کودکی را در خود تجربه می کند. ذهنیت های طرحواره ای کودکانه، می تواند سازگار یا ناسازگار نسبت به حالت های هیجانی همراه با پاسخ های مقابله ای افراد در موقعیت های مختلف باشد. همچنین فرد با تسلط و تمرکز بر ذهنیت های طرحواره ای می تواند بر روی احساسات و رفتارش در یک لحظه خاص فائق آید (۱۱). با این که می توان انواع ذهنیت های طرحواره ای را در افراد مشاهده کرد ولی فقط یکی از طرحواره های ناسازگار به شکل غالب در می آید و دیگر طرحواره ها در ناخودآگاه فرد، به صورت پس زمینه قرار می گیرند. در ذهنیت طرحواره ای کودک شاد به اکثر نیاز های کودک به طور کامل پاسخ داده شده است و او احساس محبت، پیوند، خرسندی و رضایت خاطر می کند. به همین دلیل است که کودک احساس رضایت درونی و خوشحالی دارد. در این ذهنیت برعکس دیگر ذهنیت ها، خبری از ذهنیت های ناسازگار اولیه نیست، چون به نیاز های کودک به موقع و درست پاسخ داده شده است (۱۲). ذهنیت طرحواره ای مقابله ای ناکارآمد بازنمایی معتبر از تجارب آسیب زای درون کودکی به شمار می آیند و مشکل اصلی این است که در گذر زمان الگوهای عمیقاً ریشه دار بخشی از تحریفات شناختی در رفتار های ناکارآمد افراد می باشد. حتی وقتی شواهدی پیدا می شود که این ذهنیت ها را باطل اعلام می کند، باز این هم تفکرات مربوط به تحریفات شناختی هستند که اثبات اعتبار این ذهنیت ها را زیر سوال می برند (۱۱،۱۰). در تبیین یافته های مربوط به ذهنیت های طرحواره ای والد ناکارآمد می توان گفت، ذهنیت‌های والد ناکارآمد نماد درونی شده والدین هستند. زمانی که فعال می شوند جوانان در نقش والدین خود رفته و همان‌طور با خودشان رفتار می‌کنند که والدینشان سال‌ها قبل با آن‌ها رفتار کرده بودند. دو نوع ذهنیت والد وجود دارد: ذهنیت والد تنبیه‌گر و ذهنیت والد پرتوقع. در ذهنیت والد تنبیه گر، کودک توسط والدینش به دلیل بیان کردن نیازها و یا اشتباهاتش، با عصبانیت شدید و یا تنبیه بدنی مواجهه می شود (۲۱). والدین هم همیشه از فرزند خود انتقاد می کند و او را سخت کنترل میکند. طرحواره تنبیه و نقص از جمله شایع ترین طرحواره های مرتبط با این ذهنیت است. ذهنیت والد تنبیه گر معمولا از ارضا نشدن نیاز های اولیه به خصوص نیاز های عاطفی از دوران کودکی و نوجوانی سرچشمه می گیرد. این ذهنیت در جوانان مبتلا به اختلال شخصیت مرزی و افسردگی شدید دیده می‌شود. افراد دارای این ذهنیت، ممکن است خود را شیطان‌صفت، کثیف، یا بدسرشت بدانند و خودشان را تنبیه می‌کنند. بنابراین اگر طرحواره ها هسته خودپنداره افراد را شکل دهند، افراد دارای محتوای ناسازگار با ذهنیت طرحواره ای خود می شوند که در طول زندگی ثابت و پابرجا باقی خواهند ماند (۱۱). در ذهنیت والد پرتوقع، والدین کودک را برای دستیابی به انتظارات و اهداف غیر واقع بینانه شان تحت فشار

شدید قرار می دهند. کسانی که درگیر چنین ذهنیتی هستند، احساس میکنند کمال گرایی، کاری خوب و پسندیده است و اقرار به اشتباه کردن و خودبرانگیختگی کاری ناپسند و اشتباه دارند. طرحواره های ایثارگری و معیار های سرسختانه از شایع ترین طرحواره هایی است که به این ذهنیت ربط دارند. معمولا در ذهنیت طرحواره‌ای والد پرتوقع، انتظارات غیرواقع‌بینانه مطرح می‌شوند و فرد را برای رسیدن به آن خود را تحت فشار روحی و روانی می‌گذارد. کسی که در نقش ذهنیت والد پرتوقع ظاهر می‌شود، کمال‌گرایی را بسیار خوب می‌داند و به افراطی ترین شکل ممکن آن را به کار می‌گیرد (۲۴،۱۲). از نظر این افراد اشتباه کردن کار بسیار بد و ناشایستی است. این ویژگی عموما در افرادی که به خودشیفتگی یا اختلال وسواس جبری مبتلا هستند، بیشتر دیده می‌شود. ذهنیت های طرحواره ای والد ناکارآمد باعث می شود، باورهای شناختی فرد تحریف شوند، در ادامه مهارت های مقابله ای وی تضعیف و رفتار های خودتنظیمی اش مختل می شود و در اثر آن آسیب‌های روانشناختی مانند استرس، اضطراب و... بروز نماید، در این شرایط شخص به دلیل کمال گرایی بیش از حد، از پذیرش مسئولیت شانه خانه می کند، تعاملات و رفتار های ویژه و خاصی را از خود نشان می دهد، به همباشی های نامتعارف همچون ازدواج سفید با جنس مخالف روی می آورد (۲۴،۲۳). به علاوه، ناهمسویی در نتایج می تواند به دلایلی همچون در نظرگرفتن حجم حداقلی در نمونه گیری، نوع نمونه گیری در دسترس و داوطلبانه، کار با شرکت کنندگان انسانی، تفاوت در فرهنگ و... مرتبط باشد.

بنابراین، اگرچه این پژوهش با هدف مقایسه ذهنیت‌های طرحواره‌ای در افراد مجرد درگیر در همباشی بدون ازدواج رسمی و افراد دارای ازدواج رسمی انجام شد، اما با محدودیت‌هایی همراه بود. از جمله این محدودیت‌ها می‌توان به حجم نمونه نسبتاً پایین، روش نمونه‌گیری هدفمند برای گروه همباشی بدون ازدواج رسمی و استفاده از ابزار پرسشنامه‌ای اشاره کرد که ممکن است به دلیل خوداظهاری، دقت و صحت پاسخ‌ها را تحت‌تأثیر قرار داده باشد. علاوه بر این، شناسایی افراد درگیر در همباشی و جلب مشارکت آنان بسیار دشوار بود، بنابراین نمونه‌گیری تنها از میان افراد در دسترس و داوطلب انجام شد؛ عاملی که تعمیم‌پذیری نتایج به جامعه‌ی گسترده‌تر را محدود می‌کند. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی از نمونه‌های بزرگ‌تر و همچنین روش‌های کیفی بهره گرفته شود تا درک عمیق‌تری از سبک‌های شناختی افراد متمایل به این نوع از سبک زندگی به دست آید. همچنین، با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، توصیه می‌شود که مسئولان فرهنگی و آموزشی با برگزاری کارگاه‌هایی برای جوانان، به ویژه در سطح دانشگاه، نسبت به شناسایی و اصلاح ذهنیت‌های طرحواره‌ای ناسازگار و نیز تقویت ذهنیت‌های سالمی چون «بزرگسال سالم» و «کودک شاد» در جوانان در آستانه ازدواج اقدام نمایند تا از پیامدهای فردی و اجتماعی پدیده همباشی بدون ازدواج رسمی پیشگیری شود.

نتیجه‌گیری

انتخاب سبک ازدواج یکی از تصمیمات مهم و سرنوشت‌ساز در زندگی جوانان در آستانه ازدواج است. نتایج این مطالعه نشان داد که ذهنیت طرحواره‌ای بزرگسال سالم در افرادی که ازدواج رسمی داشته‌اند، به‌طور معناداری بالاتر از افرادی بود که درگیر همباشی بدون ازدواج رسمی بودند. این یافته نشان می‌دهد که سبک‌های شناختی و ذهنیت‌های طرحواره‌ای می‌توانند نقش مهمی در گرایش به سبک‌های مختلف ازدواج ایفا کنند. ذهنیت‌های طرحواره‌ای، بازنمایی‌های درونی از خود، دیگران و روابط بین‌فردی هستند که در دوران کودکی شکل گرفته و در بزرگسالی فعال می‌شوند و می‌توانند رفتار، باورها، احساسات و تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی از جمله انتخاب سبک ازدواج را تحت تأثیر قرار دهند. با توجه به این موضوع، آگاهی‌بخشی و آموزش درباره ذهنیت‌های طرحواره‌ای، به‌ویژه ذهنیت بزرگسال سالم، می‌تواند راهکاری مؤثر برای ارتقای سلامت روان و بهبود تصمیم‌گیری در جوانان در آستانه ازدواج باشد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که مسئولان و کنشگران

حوزه خانواده و جوانان با طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی و کارگاه‌های تخصصی، زمینه لازم را برای شناسایی، اصلاح و تقویت ذهنیت‌های سالم در جوانان فراهم آورند. این اقدامات می‌تواند گامی مؤثر در جهت کاهش آسیب‌های ناشی از سبک‌های ناپایدار روابط و ارتقای کیفیت ازدواج در جامعه باشد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم می دانند که از تمامی شرکت کنندگان گرانقدر در این پژوهش که با صبر و حوصله در این مسیر ما را یاری نمودند، تشکر و قدردانی نمایند. همچنین، پیش از انجام پژوهش، کد اخلاق از دانشگاه بین المللی امام رضا علیه السلام با شماره **IR.IMAMREZA.REC.1403.014** اخذ گردید.

تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تعارض منافعی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

مشارکت نویسندگان

(۱) مفهوم‌پردازی و طراحی مطالعه، یا جمع‌آوری داده‌ها، یا تجزیه‌وتحلیل و تفسیر داده‌ها: همه نویسندگان

(۲) تهیه پیش‌نویس مقاله یا بازبینی آن جهت تدوین محتوای اندیشمندانه: همه نویسندگان

(۳) تائید نهایی دست‌نوشته پیش از ارسال به مجله: محولاتی

References

1. Rao S. Marital adjustment and depression among couples. International Journal of Indian Psychology. 2017; 4(2): 34-42.

https://doi.org/10.25215/0402.045

2. Kazemipour, S. Measuring youth attitudes towards marriage and understanding its effects and consequences with emphasis on student marriages. Farhang Dar Daneshgah-E-Eslami, 2009; 13(2):75-95.

https://ensani.ir/file/download/article/20120325160537-1064-70.pdf

3. Zola MF. Beyond infidelity-related impasse: an integrated, systemic approach to couple therapy. J Syst Ther. 2007;26(2):25-41.

https://doi.org/10.1521/jsyt.2007.26.2.25

4. Rasouli A. Youth's attitudes about cohabitation (white marriage). Afaq Humanities Monthly. 2021;5(50)51-70 .

https://ensani.ir/file/download/article/1637999604-10123-50-4.pdf

5. Ghanbarian M. A Study of White Marriage in the Legal Systems of Iran and the West. J Law Soc. 2017;15(3):1-14.

https://sid.ir/paper/897000/fa

6. Ghaazi AN, Barkhitabar M, Jokar S. Social harms and legal dimensions of white marriage. In: Proceedings of the 8th International and National Conference on Management, Accounting and Law Studies; 2023; Tehran, Iran.

https://civilica.com/doc/1694419

7. Kalate Sadati A, Jiriaei R. A Study of Social Factors Affecting the Attitude towards Marriage: Study among Female Dormitory Students in Yazd University. Socialworkmag 2022; 10(4) :48-56.

URL: http://socialworkmag.ir/article-1-661-fa.html

8. Letafati beris R, Ghamari kivi H, Kiani A R, Sheykholslamy A. Comparison of the effectiveness of the schema mode therapy and emotional-focused therapy on styles of conflict resolution, in newly married couples with conflict. Rooyesh. 2021;10(9): 186-192.

URL: http://frooyesh.ir/article-1-2882-fa.html

9. Young JE, Klosko JS, Weishaar ME. Schema Therapy: A Practical Guide. Hamidpour H, Andoz Z, translators. 14nd ed. Tehran: Arjomand; 2024. 368 p.

10. Karami, M. Comparison of schema mentalities and differentiation in young people who are willing and unwilling to marry. Master's thesis in counseling. Islamic Azad University, Marvdasht Branch. Faculty of Educational Sciences and Psychology. 2019.

11. Izadi, G. Predicting children's schema mentalities based on parents' schema mentalities and personality traits in Shiraz. Master's thesis, General Psychology. Shiraz Zand Institute of Higher Education. 2019.

12. Keulen-de Vos M, Bernstein D, Vanstipelen S, Vogel V, Lucker T, Slaats M, et al. Schema modes in criminal and violent behaviour of forensic cluster B PD patients: a retrospective and prospective study. Leg Criminol Psychol. 2016;21(1):56-76. https://doi.org/10.1111/lcrp.12047

13. Vyskocilova J, Prasko J. EPA-1344 – Countertransference, schema modes and ethical considerations in cognitive behavioral therapy. Eur Psychiatry. 2014;29(1):1.

https://doi.org/10.1016/S0924-9338(14)78559-1

14. Young J. Schema therapy: Distinctive features: 1nd ed. New York: Routledge;2024, 112-182.

15. Ghafourian Molazadeh, A. Marriage Culture. Tehran: Payam Tooba. 2021.

16. Zhang Y. Premarital cohabitation and marital dissolution in postreform China: cohabitation and divorce in China. J Marriage Fam. 2017;79.

https://doi.org/10.1111/jomf.12419

17. Herzog-Evans, M., & Keulen-de Vos, M. Offence Paralleling Schema Modes in Institutional Violence. International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology. 2023; 0(0).

https://doi.org/10.1177/0306624X231206516

18. Keulen-de Vos ME, Bernstein DP, Arntz A. Schema therapy for aggressive offenders with personality disorders. In: Tafrate RC, Mitchell D, editors. Forensic CBT: a handbook for clinical

practice. Chichester: Wiley Blackwell; 2014; p. 66-83.

https://doi.org/10.1002/9781118589878.ch4

19. Rica, S & Iza, A. Career Planning in Spain: Do Fixed-term Contracts Delay Marriage and Parenthood? Review of Economics of the Household.2005; 3.49-73.
https://doi.org/10.1007/s11150-004-0979-8

20. Yalcin O, Marais I, Lee C, Correia H. Revisions to the Young Schema Questionnaire using Rasch analysis: the YSQ-R. Aust Psychol. 2021;56(1):8–20. https://doi.org/10.1080/00050067.2021.1979885

21. Sfeir M, Postigo Á, Fekih-Romdhane F, et al. Psychometric properties of the Arabic version of the Young Schema Questionnaire Short Form-Version 3 (YSQ-S3). Sci Rep. 2025; 15:406.

https://doi.org/10.1038/s41598-024-83089-w

22. González-Cifuentes CE, Ruiz FJ, Quiceno JM. Psychometric properties of the Young's Early Maladaptive Schema Questionnaire - Short Form (YSQ-S3) in Colombia. Behav Psychol/Psicología Conductual. 2024; 32: 65–87.

https://doi.org/10.51668/bp.8324103n

23. Mehrtalab P, Davudi H, Taghvaei D. Investigation of psychometric properties of Young Positive Schema Questionnaire (YPSQ) in Iranian society. Res Clin Psychol Couns. 2024; 13(2):57–80.

https://doi.org/10.22067/tpccp.2024.82249.1494

24. Mohammadifar, A. and Besharat M. Reliability and validity of the short form of Young's schema questionnaire. Psychology and Educational Sciences. 2007; 37 (3): 5-20.

https://sid.ir/paper/55767/fa